سوشامکانی: نمی‌خواهم فقط دعوت شوم

برای بازی در تیم ملی، هیچ دروازه‌بانی لایق‌تر از من نیست

مصاحبه
امیر اسدی @amir_asadi62

از نظر سیو نجات‌بخش، بهترین آمار را در لیگ نروژ به نام خود ثبت کرده است. شاید کمتر کسی سراغ این آمار برود اما این گویای عملکرد ویژه سوشا مکانی در این کشور اروپایی است. دروازه‌بانی که نزدیک به دو دهه است در فوتبال حرفه‌ای حضور دارد و در این مدت بارها به اردوی تیم ملی ایران دعوت شده و چندین مرتبه هم درون دروازه قرار گرفته. او که سابقه بازی در فجرسپاسی، پاس همدان، نفت تهران، استیل آذین، پرسپولیس، نفت مسجد سلیمان و استروم گودست را در کارنامه دارد، این روزها در ترکیب میوندالن می‌درخشد و تا پایان هفته بیست و چهارم لیگ برتر نروژ نیز دو عنوان فردی را به دست آورده است. او جدا از اینکه بهترین دروازه‌بان نروژ از نظر سیو است، برترین بازیکن میوندالن هم محسوب می‌شود. تیمی که به قول سوشا اگر خط حمله قویتری داشت الان به جای دست و پا زدن در جمع فانوس به دست‌ها در میانه‌های جدول حضور داشت و حتی می‌توانست برای کسب سهمیه اروپایی بجنگد. مکانی با تکیه بر همین عملکرد معتقد است باید درون دروازه تیم ملی بایستد و لایق‌ترین فرد برای حضور در این پست محسوب می‌شود. او در گفت‌وگو با ایران ورزشی صحبت‌های جالب دیگری نیز مطرح کرده که می‌تواند بعد از بی‌خبری چند ماهه او را به یکی از سوژه‌های فوتبال ایران تبدیل کند.

فصل قبل با عملکردی که از خود بجا گذاشتی توانستی با میوندالن سهمیه حضور در لیگ برتر را به دست بیاوری. این فصل هم ماجرای درخشش تو ادامه دارد و من نمره‌های دروازه‌بان‌های حاضر در لیگ برتر را که دیدم، در صدر حضور داری. آن هم با اینکه تیم شما جزو تیم‌های پایین جدول است اما تو از نظر سیو نجات‌بخش در رتبه اول حضور داری. دوست دارم درباره این عملکرد صحبت کنی و اینکه شرایط در این فصل برای تو چطور رقم خورده است.

حقیقتش از ابتدای لیگ مشخص بود که تیم ما نسبت به تیم‌های قدرتمند و تابن دندان مسلح لیگ حرفی برای گفتن البته برای حضور در جمع ۱۰ تیم برتر ندارد. کمی که از بازی‌ها گذشت دیدیم که تیم ما اصلاً گلزن هم ندارد. یعنی برای ما به ثمر رساندن حتی یک گل در بازی خیلی سخت شد. الان به جایی رسیده که می‌بینیم پایین جدول هستیم و برای بقا در لیگ برتر می‌جنگیم. با اینکه تیم پانزدهم جدول هستیم، تیم شانزدهم ۱۰ یا ۱۱ گل بیشتر از ما به ثمر رسانده. اگر تعداد گل‌های زده ما با توجه به تعداد گل‌های خورده ۱۰ گل بیشتر بود، مطمئناً می‌توانستیم در رتبه‌های هشتم تا یازدهم جدول باشیم و دیگر به بقا فکر نکنیم. حالا اینها بحث‌های فنی است که باید با دقت نگاه کرد و دید ایراد کار از کجاست. با توجه به اینکه لیگ ما خیلی زیاد گل دارد و اصلاً چیز عجیبی نیست که میانگین رد و بدل شدن گل در هر بازی به چهار یا پنج هم برسد. با همه این اوصاف من در ۲۴ هفته و از نظر امتیازگیری، فکر می‌کنم امتیاز ۷/۳ یا ۷/۴ را به نام خودم ثبت کرده‌ام. با توجه به اینکه تیم‌مان در رده پانزدهم قرار دارد، این آمار خوبی محسوب می‌شود. از نظر سیو در طول بازی بین تمام دروازه‌بان‌های لیگ نفر اول هستم و این نشان می‌دهد آمار من درخشان است.

این البته اتفاق خوبی است که برای بررسی عملکرد دروازه‌بان‌ها تعداد سیو نجات‌بخش را در نظر می‌گیرند و نه تعداد کلین‌شیت و گل خورده.

دقیقاً. این مهم است که وقتی به یک دروازه‌بان نمره می‌دهند باید عملکرد و تعداد سیوهای او را در نظر بگیرند. در لیگ ایران رسم است که صرفاً وقتی یک دروازه‌بان، دروازه‌اش را بسته نگه می‌دارد می‌گویند به به و وای چه عملکردی. در صورتی که شاید آن تیم طی پنج هفته دو تا توپ هم سمت دروازه‌اش نرود. بنابراین تمام کلین شیت‌ها و بسته نگه داشتن دروازه را نباید به اسم یک دروازه‌بان نوشت. یک نکته مهم که در لیگ نروژ وجود دارد این است که آنالیزها به طور دقیق انجام می‌شود و هر کسی نظر غیرکارشناسی نمی‌دهد. در لیگی که چشم‌ها رویت است و عملکرد را آنالیز می‌کنند و به حق هم آنالیز می‌کنند، من با میانگین چهار سیو در هر بازی رتبه اول را در اختیار دارم. ضمن اینکه نشان داده‌ام در طول این ۲۴ هفته عملکردم ثبات هم داشته است.

می‌خواهم روش امتیازدهی کارشناس‌های نروژی را بدانم. اینکه یک دروازه‌بان سیوهای متعددی انجام بدهد اما چند اشتباه مهلک هم مرتکب شود، روی نمره‌ها تأثیر نمی‌گذارد؟

می‌خواستم در ادامه چند نکته دیگر بگویم که سؤال شما یکی از آنها بود. تیم ما پانزدهم جدول است اما برای من از نظر فردی فصل فوق‌العاده‌ای رقم خورده. خیلی جالب است که بدانید من در طول این ۲۴ هفته فقط یک اشتباه تأثیرگذار انجام داده‌ام. به گفته کادرفنی و تیم آنالیز لیگ و باشگاه خودمان، در

من با سابقه ۱۵، ۲۰ ساله‌ای که در سطح اول فوتبال ایران دارم، باید بنشینم که یک مربی مرا دعوت کند؟ می‌خواهم دعوت نکند. دوست هم نداشت دعوت نکند اما تیم ملی برای شخص نیست

کل بازی‌ها و گل‌هایی که خورده‌ام، فقط یک بار اشتباه کرده‌ام که روی نتیجه بازی تأثیر گذاشته. می‌توانید فیلم تک تک بازی‌های ما را ببینید و به این نکته برسید که تا اینجای کار اشتباه دیگری مرتکب نشده‌ام. این را می‌توان ثبات عملکردی اسم گذاشت و جزو شاخصه‌های یک دروازه‌بان محسوب می‌شود. برای یک دروازه‌بان و یک تیم فوق‌العاده است که بازیکنش اشتباه‌های مکرر انجام ندهد و بتواند خیال بقیه را از پستی که در آن حضور دارد، آسوده کند. این از نکته‌های مثبت عملکرد این فصل من بوده و اگر بخواهیم کارشناسی به این موضوع نگاه کنیم، دریافت میانگین نمره ۷/۳ تا ۷/۴ برای یک دروازه‌بانی که تیمش پانزدهم جدول است می‌تواند عملکردی طلایی باشد. البته خودم از نظر شخصی این اعتقاد را دارم که این عملکرد طلایی می‌توانست طلایی‌تر باشد. به عنوان نمونه اگر تیم ما می‌توانست گل‌های بیشتری بزند یا در خط حمله عملکرد بهتری ارائه می‌دادیم و خیلی نکته‌های دیگر، عملکرد من هم بیشتر به چشم می‌آمد. فکر می‌کنم جواب سؤال شما را دادم و مطمئن باشید اگر یک دروازه‌بان اشتباه بزرگ و مکرر انجام بدهد، قطعاً از امتیازش کم خواهد شد.

کادرفنی میوندالن درباره عملکرد تو چه نظری دارند؟

در کادرفنی و تیم آنالیز ما صحبتی وجود دارد که می‌گویند خط دروازه میوندالن در این فصل بهترین عملکرد را داشته و من برتر از بقیه بوده‌ام. حتی هواداران و مربیان میوندالن هم بر این اعتقادند که من بهترین بازیکن تیم هستم و جزو بازیکنان مؤثر لیگ برتر نروژ. البته شش هفته از مسابقات مانده و این بازی‌ها می‌تواند تعیین کند که تیم ما می‌تواند در لیگ بماند یا نه. اگر در لیگ بمانیم برای تیم ما کمتر از قهرمانی نخواهد بود. با این شرایطی که داریم، تعداد گلی که به ثمر رسانده‌ایم و نمایشی که داشته‌ایم. مطمئناً عملکرد من زمانی قسمت طلایی خودش را نشان می‌دهد که بتوانیم با نتایجی که می‌گیریم، تیم را در لیگ حفظ کنیم.

برای بقا چقدر شانس دارید و آیا می‌توانید در لیگ برتر نروژ بمانید؟

در این شش هفته شانس بالایی داریم. به خاطر اینکه اگر در سه تا از بازی‌ها به پیروزی برسیم می‌توانیم در لیگ بمانیم. دو، سه بازی شش امتیازی و مستقیم در خانه داریم و این فرصت را داریم تا از فرصت میزبانی استفاده کنیم. این موضوع دور از دسترس نیست و می‌توانیم در لیگ بمانیم. اگر بقای ما قطعی شود، مطمئناً هیچ وقت هواداران و کادرفنی عملکرد مرا فراموش نخواهند کرد. آن هم با توجه به مشکلاتی که داشتیم. ما این فصل از کمبود بازیکن و کمبود بودجه رنج بردیم و البته خط حمله تیم هم عملکرد خوبی ارائه نداد. به همین خاطر معتقدم اگر بمانیم، هیچکس عملکرد طلایی مرا از یاد نخواهد برد.

با این عملکردی که از خودت بجا گذاشته‌ای، فکر می‌کنی لایق دعوت به تیم ملی هستی و یا می‌توانستی در این یکی دو اردو کنار سایر بازیکنان باشی؟

می‌خواهم جوابی بدهم که کامل باشد. نمی‌خواهم سؤالی که پرسیدید را طوری جواب بدهم که خواننده برداشت خودش را داشته باشد. می‌خواهم واقعیت را به شما بگویم. وقتی حرف از لیاقت می‌زنید، باید به تمام نکته‌ها اشاره کنم. من کاری ندارم به اینکه سرمربی تیم ملی سلیقه دارد و از این جمله‌های کلیشه‌ای. آدمی هم نیستم که مثل بقیه که دعوت نمی‌شوند بیایم بگویم سلیقه مربی و خیلی مسائل دیگر. من کاری به این مسائل ندارم، بحثم فقط عملکرد است. من با توجه به ثبات عملکردی و نمره‌هایی که در طول ۲۴ بازی، از ابتدای فصل تا همین حالا گرفته‌ام حرف می‌زنم. من کاری ندارم که یک استقلالی دوست دارد دروازه‌بان تیمش در تیم ملی باشد و یا یک پرسپولیسی همینطور. اینها تعصب‌های کورکورانه است و من درباره‌اش حرف نمی‌زنم. شما بحث لیاقت را کردید و من هم دوست دارم فقط در این مورد حرف بزنم. حقیقت این است که با توجه به ثبات عملکردی من و دریافت نمره بالا در ۲۴ هفته لیگ، من باید دروازه‌بان شماره یک تیم ملی باشم. شما دارید بحث دعوت شدن را می‌کنید؟ صحبت من بازی در ترکیب ثابت است. اصلاً نمی‌خواهم دعوت شوم، دعوت بشوم که چه اتفاقی بیفتد. من با سابقه ۱۵، ۲۰ ساله‌ای که در سطح اول فوتبال ایران دارم، باید بنشینم که یک مربی مرا دعوت کند؟ می‌خواهم دعوت نکند. دوست هم نداشت دعوت نکند اما تیم ملی برای شخص نیست. تیم ملی جایی نیست که بخواهید تصمیم‌های شخصی را دخالت بدهید. تیم ملی برای همه مردم ایران است، همه مردم ایران و هر کسی که لیاقت دارد باید دعوت شود. هر کسی که لایق است برای این پیراهن می‌جنگد. من هم می‌جنگم و فقط حرف نمی‌زنم. نمی‌نشینم شش ماه که یک نفر دیگر برای دعوت به اردو به تمجید از سرمربی تیم ملی بپردازد و مدام بگوید به به، عجب مربی خوبی. نه، تیم ملی یعنی جنگ. یعنی بجنگی برای مملکت و کشورت.

یعنی معتقدی همین حالا باید دروازه‌بان اول تیم ملی باشی؟

با توجه به اینکه حرف از لیاقت زدید، هیچکس را در این زمینه لایق‌تر از خودم نمی‌بینم که دروازه‌بان شماره یک تیم ملی باشد. هیچکس. برای تمام دروازه‌بان‌هایی که در تیم ملی هستند احترام قائلم. با همه آنها هم یک روزی کار کرده‌ام، چه زمانی که تازه وارد فوتبال شده بودند و چه بعدها که بزرگ‌تر شدند. همه آنها محترم اما وقتی حرف از لیاقت، حقیقت و مسائل فنی دروازه‌بانی می‌زنید، اگر کلاه‌تان را قاضی کنید به نام من می‌رسید. اگر کسی کمی درک دروازه‌بانی داشته باشد می‌تواند بهتر حرف‌های مرا درک کند. همه این‌هایی که در تیم ملی هستند یا خودشان را لایق پوشیدن پیراهن تیم ملی می‌دانند، تمام این آیتم‌ها را کنار هم بگذارند و ببینند حق چه کسی است دروازه‌بان اول تیم ملی باشد.

اما دروازه‌بان‌های دیگر هم آمار خوبی به نام خود ثبت کرده‌اند و اینطور نیست که آنها چشم بسته به تیم ملی دعوت شوند.

گفتم که وقتی بحث لیاقت به میان می‌آید، شما باید بهترین را انتخاب کنید. ۲۴ بازی برای میوندالن انجام داده‌ام، آن هم با کمترین نوسان و نمره‌ای فوق‌العاده. به عنوان بهترین بازیکن تیمم انتخاب شده‌ام و بهترین دروازه‌بان لیگ. از نظر سیو و تعداد آنها در صدر قرار دارم. شما ببینید کدام یک از دروازه‌بان‌های تیم ملی یا آنهایی که مدعی هستند، لایق ایستادن درون دروازه تیم ملی هستند. همه دروازه‌بان‌ها البته برادران من هستند اما سلیقه مربی و اینکه او دوست دارد چه کسی را دعوت کند و بازی بدهد، بحث شخصی است. اصلاً چند کارشناس دروازه‌بانی بیایند تا با آنها بحث کنم. شک ندارم که می‌توانم همه آنها را قانع کنم که لایق بازی در ترکیب اصلی تیم ملی هستم. اصلاً یک دروازه‌بان ایرانی در لیگ ایران با دنیا پیدا کنند که بتواند جلوتر از من و لایق‌تر از من باشد، قول می‌دهم جلوی دوربین بگویم که من اشتباه کردم و فلانی از من لایق‌تر است. اینقدر اطمینان دارم که می‌گویم هیچ‌کدام از دروازه‌بان‌های ایرانی لیاقت بیشتری نسبت به من ندارند. من اتفاقاً کارشناس‌ها و افرادی که فوتبال و دروازه‌بانی را می‌فهمند، به این چالش دعوت می‌کنم. بیایند بحث کنند و یک نفر را انتخاب کنند و بگویند او به این دلایل از تو بهتر است. حتی مربی دروازه‌بان‌های تیم ملی هم بعید می‌دانم بتواند مرا قانع کند که کسی لایق‌تر از من برای پوشیدن پیراهن شماره یک تیم ملی وجود دارد.

من نمی‌خوهم قضیه را شخصی کنم اما چنین داستانی که تو در نروژ به لحاظ انجام سیو نجات‌بخش داری، برای امیر عابدزاده نیز در پرتغال رخ داده. باز هم تأکید می‌کنم که نمی‌خواهم مصاحبه ما شخصی شود اما امیر هم در پرتغال از این نظر عنوان اول را در اختیار دارد. می‌خواهم کمی هم انصاف را رعایت کنیم.

من اصلاً بحثی ندارم. امیر عابدزاده در پرتغال چند هفته است دارد بازی می‌کند. من ۲۴ هفته این آمار را نگه داشتم. یعنی چه؟ یعنی شما در طول یک فصل می‌توانید عملکرد یک دروازه‌بان را در نظر بگیرید و من دقیقاً ۲۴ هفته پشت سر هم و بدون یک وقفه همه بازی‌ها را به میدان رفته‌ام. امیر کلاً چند بازی از لیگ‌شان گذشته و هیچ تضمینی نیست که بتواند تا انتهای فصل فیکس باشد و حتی

ما این فصل از کمبود بازیکن و کمبود بودجه رنج بردیم و البته خط حمله تیم هم عملکرد خوبی ارائه نداد. به همین خاطر معتقدم اگر بمانیم، هیچکس عملکرد طلایی مرا از یاد نخواهد برد

بتواند این روند را ادامه بدهد. برای من هم اگر بخواهید چند هفته ابتدایی را در نظر بگیرید، مثلاً سه هفته، تیم ما یک برد داشت و دو مساوی. از هر نظر من بهترین دروازه‌بان هم بودم و تیم ما هم جایگاه بالایی داشت. الان اما چون انتهای فصل هستیم و من این روند را در هفته‌های بیشتری نگه داشته‌ام، ثبات را می‌توانید ببینید. یعنی تقریباً یک فصل کامل را بدون نوسان پشت سر گذاشته‌ام. ضمن اینکه شما از من بحث لیاقت را پرسیدید و من هم بحث لیاقت را کارشناسی و با دلیل و مدرک به شما گفتم. به عنوان یک دروازه‌بان، هر کسی که چنین پستی در اختیار دارد یا مربی است می‌تواند نظر بدهد و مشکلی هم با این موضوع ندارم. آمار و ارقام و نظرات کارشناسی هم می‌گوید چه کسی در حال حاضر لایق پوشیدن پیراهن شماره یک تیم ملی است.

یعنی برای تو فقط دعوت به تیم ملی مهم نیست و می‌خواهی بازی هم بکنی؟

فقط دعوت به تیم ملی مهم نیست، مهم این است که برای تیم ملی کشورت مثمرثمر باشی. حالا شما یک سؤال دیگر می‌پرسی که چرا به تیم ملی دعوت نمی‌شوم؟ تا یک جایی را من می‌توانم پاسخ بدهم. حالا اینکه من چرا دعوت نمی‌شوم را حتی سرمربی تیم ملی هم نمی‌تواند پاسخ بدهد. در حوزه دروازه‌بانی، مربی دروازه‌بان‌های تیم ملی باید نظر بدهد. من حاضرم با او رو در رو بنشینم و یک ساعت جلسه بگذارم و حرف بزنیم. او می‌تواند مرا قانع کند که لایق‌تر از من دروازه‌بانی هست؟ اگر توانست مرا قانع کند جلوی همه عذرخواهی می‌کنم و می‌گویم قانع شدم که الان لایق این اتفاق نیستم اما اگر نتوانست مرا قانع کند، آن وقت هم من جواب سؤالم را می‌گیرم و هم شما. شاید هم اصلاً بحث، بحث فنی نباشد. اگر موضوعی با دلیل و مدرک به من ثابت شود، جلوی آن نمی‌ایستم و مخلص آدمی هستم که حرف حق می‌زند.

در این مدت به سرت زده که ملیت خودت را تغییر بدهی و برای نروژ بازی کنی؟ اصلاً آیا قانون به تو این اجازه را می‌دهد؟

از وقتی که اینجا آمدم تا همین الان، هیچ تمایلی نشان ندادم که ملیت خودم را عوض کنم. کسی که می‌خواهد برای تیم ملی یک کشور دیگر بازی کند، اول باید خودش تمایل نشان بدهد و بگوید مثلاً از الان دوست دارم ملیتم را تغییر بدهم و برای کشوری بازی کنم که در لیگ آن حضور دارم. داستان من یا داستان کسانی که یک جای دیگر به دنیا آمده‌اند و پاسپورت آن کشور را دارند، متفاوت است. شما به عنوان بازیکنی که مثلاً در اروپا به دنیا آمده‌ای و بخصوص نروژ، اگر بخواهی در لیگ نروژ بازی کنی، کار چندان سختی نیست. البته اگر استعدادش را داشته باشیم اما اگر با پاسپورت ایرانی و به عنوان سهمیه بازیکن خارجی به یک کشور اروپایی بیایی و در پست دروازه‌بانی بازی کنی، واقعاً کار دشواری پیش رو خواهی داشت. من یکسری بازیکنان ایرانی را می‌شناسم که در کشورهایی چون یونان، اسپانیا و جاهایی که می‌شود با سرمایه‌گذاری پاسپورت گرفت، حضور دارند و بعد از آن توانستند به عنوان سهمیه بازیکن همان کشور مشغول بازی شوند. داستان من اما با آن بازیکنان فرق دارد. بخصوص در پست دروازه‌بانی. واقعاً برای یک دروازه‌بان آسیایی سخت است که به یک کشور اروپایی بیایی و بازی هم کنی. حالا این اتفاق برای من رخ داده، آن هم بدون اینکه اعتباری از تیم ملی کشورم گرفته باشم. یا اینکه اعتباری از مربیانی که در تیم ملی حضور داشتند گرفته باشم.

منظورت مشاوره آنها به تیم‌های خارجی است که مثلاً فلان بازیکن خوب است و او را جذب کنید؟

دقیقاً. کارلوس کی‌روش وقتی از تیم ملی رفت، بازیکنانی که تحت نظر خودش بودند و رشد کردند را به برخی باشگاه‌ها پیشنهاد داد و آنها را در این مسیر کمک کرد. یا ویلموتس، وقتی از تیم ملی ایران رفت علیرضا بیرانوند را به باشگاه‌های بلژیکی پیشنهاد کرد. به باشگاه‌هایی چون آنتورپ که علی حالا آنجا حضور دارد. او به باشگاه‌های بلژیکی برای جذب بیرانوند، یکجورهایی گارانتی و تضمین داد تا آنها هم این کار را انجام بدهند. من از هیچ یک از این آپشن‌ها برخوردار نبودم. وارد فوتبال اروپا که شدم، به عنوان کسی که از صفر شروع کرده راهی نروژ شدم. اینجا کسی نمی‌داند شما کجاها بازی کرده‌ای و چه رزومه‌ای داری. باید زندگی جدید خودت را بسازی و تلاش کنی تا موفق شوی. به عنوان نمونه اگر از نروژی‌ها بپرسی پرسپولیس یا تیم ملی ایران را می‌شناسید، شاید پنج درصد از آنها هم پاسخ مثبت ندهند. خلاصه اینجا آمدم، آن هم بدون پشتوانه. الان اما به جایی رسیدم که در لیگ نروژ برای خودم اسم و رسمی دارم و فوتبالدوستان از من با احترام صحبت می‌کنند. این یعنی پیشرفت و همان چیزی که من انتظارش را داشتم. وقتی وارد یک لیگ می‌شوید و از صفر شروع می‌کنید و به موفقیت هم می‌رسید، این نشانه پیشرفت بزرگی است. حالا اینکه مربی تیم ملی ایران می‌خواهد سلیقه خودش را خلاف جهت فوتبال حرفه‌ای و پیشرفت من نشان بدهد، برای من ملاک و معیار نیست. برای من ملاک و معیار نظر مردم ایران است. مهم است که آنها بدانند آیا حق من است دعوت شوم و بازی کنم یا نه. این موضوع برای من راضی کننده است و همین که در مسیر پیشرفت قرار دارم و البته در این راه پرفراز و نشیب، کم اشتباه بوده‌ام، نشانه موفقیت است. با توجه به تمام سنگ‌اندازی‌ها و کج سلیقگی‌هایی که انجام می‌شود، باز هم کار خودم را انجام می‌دهم و به مسائل دیگر فکر نمی‌کنم. فوتبال حرفه‌ای همانطور که بی‌رحم است، اگر واقعاً لیاقتش را داشته باشی، به هدفت می‌رسی. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند اما اگر شما تلاش کنی و لایق باشی، می‌مانی و به خواسته‌ات می‌رسی. شاید دیر برسی اما روزی به این هدفت می‌رسی.

در ماه‌های اخیر که نقل و انتقالات لیگ ایران در جریان بود، پیشنهادی دریافت کردی که به آن فکر کنی یا از حضور در میوندالن راضی بودی؟

شما چند باشگاه را کنار بگذار که با آنها نمی‌شود در مورد مسائل مالی حرف زد. منظورم باشگاه‌هایی هستند که مشکلات مالی فراوانی دارند و بودجه‌ای اندک. نمی‌خواهم اسم بیاورم اما اگر از ۱۶ تیمی که در لیگ برتر حضور دارند، شش تا از آنها را به خاطر مسائل مالی کنار بگذاریم، می‌ماند ۱۰ تیم. اگر دروغ نگفته باشم از شش یا هفت تیم پیشنهاد خیلی جدی داشتم. اسم تیم‌ها را هم نمی‌خواهم بگویم، به خاطر اینکه اصلاً نه برای من سودی دارد و نه برای آن باشگاه. خودت هم بهتر مرا می‌شناسی که اهل بازارگرمی هم نیستم. همانطور که گفتم از ۱۰ باشگاهی که شاید توان مالی پرداخت مبلغ رضایتنامه مرا داشتند، حداقل شش یا هفت تا از آنها سراغ من را گرفتند اما واقعیتش فعلاً قصد بازگشت به فوتبال ایران را ندارم. شاید و شاید در شرایط خاص این اتفاق بیفتد، مثل زمانی که آمدم و یک نیم فصل برای نفت مسجد سلیمان بازی کردم. آن هم به خاطر شرایط خاصی که داشتم. الان اما قصد برگشت ندارم، نه از نظر شخصی و نه از نظر قانونی چون قوانین فیفا اجازه نمی‌دهد که قبل از پایان لیگ نروژ و آغاز فصل نقل و انتقالات ژانویه، جابجا شوم. از لحاظ شخصی هم تصمیمی برای بازگشت ندارم. همین که روز به روز از نظر شرایط فنی خودم را بهتر و باتجربه‌تر می‌بینم، برای من یک پیشرفت به حساب می‌آید. بنابراین همین مسیر را ادامه می‌دهم و از رسیدن به درجه‌های بالاتر هم سیر نمی‌شوم چون باید هر روز بهتر از دیروز باشم.

آیا از استقلال هم پیشنهاد داشتی؟

داشتم اما دوست ندارم اسمی از تیمی ببرم.

میان صحبت‌هایت گفتی که برخی تیم‌های ایرانی نمی‌توانند رقم رضایتنامه‌ات را پرداخت کنند. مگر رقم بالایی است؟

باشگاه میوندالن رضایتنامه مرا به این راحتی‌ها صادر نمی‌کند. من سه فصل دیگر قرارداد دارم و قطعاً باشگاه علاقه ندارد تا بهترین بازیکن تیمش و بهترین دروازه‌بان لیگ نروژ را از دست بدهد. هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای این کار نیست و می‌دانم که مسئولان باشگاه هم چنین نظری دارند که بخواهند مرا از دست بدهند. این حرفی که من می‌زنم، مسأله دیگری است. به عنوان مثال وقتی لیگ ما اینجا تمام می‌شود، اگر خودم تمایل داشته باشم که برگردم و در لیگ ایران برای تیمی بازی کنم، برای یک فصل قرضی اگر بخواهیم در نظر بگیریم، من نیم فصل را در نروژ از دست می‌دهم چون اینجا که لیگ تمام می‌شود تا سال بعد که آغاز شود، حدوداً می‌توانم یک فصل و شاید هم کمتر برای تیم‌های ایرانی بازی کنم. این هم به خاطر تفاوت در تاریخ لیگ‌های ایران و نروژ است. با توجه به برنامه‌ای که خودم در نظر گرفتم، گفتم اگر تمایل داشته باشم و بخواهم یک فصل و قرضی برای تیم‌های ایران بازی کنم، می‌توانم آن را به باشگاه انتقال بدهم. اینکه آنها قبول کنند یا نه را نمی‌دانم اما می‌توانستم این قول را بگیرم که با پرداخت ۲۰۰ هزار یورو، رضایتنامه قرضی من صادر شود. حالا این علاوه بر دستمزدی است که باشگاه باید برای جذب من پرداخت کند. شما بهتر می‌دانید که در ایران، باشگاه‌هایی که توان مالی پرداخت این مبلغ را داشته باشند، زیاد نیستند.

با توجه به شرایط اقتصادی که الان وجود دارد و قراردادهای ریالی که در ایران بسته می‌شود و فایده‌ای هم ندارد، بازگشت اتفاق خوبی نیست. بخصوص اینکه من هم آدمی نیستم که به خاطر بحث مالی آینده‌ام را خراب کنم و وارد این داستان شوم که کدام باشگاه ایرانی به من پول بیشتری می‌دهد.

این مسأله برای زمانی است که خودت این تصمیم را داشته باشی که یک فصل برای یک تیم ایرانی بازی کنی که من فعلاً چنین مسیری را در نظر نگرفته‌ام. البته مگر در شرایط خاص که راه دیگری نداشته باشم که بخواهم برگردم و در لیگ ایران بازی کنم. پس کلاً این مسأله منتفی است و بحث اینکه از کدام تیم پیشنهاد داشتم یا نه، زیاد توفیری نمی‌کند و درست هم نیست که آدم گذشته را بازکند.

اینکه بگویم از فلان تیم پیشنهاد داشتم چه سودی برای طرفین دارد؟ جز اینکه مدتی بحث رسانه‌ای می‌شود و به آن می‌پردازند اما آیا نکته‌ای فنی به من اضافه می‌کند؟ قطعاً نه. وقتی شرایطش را ندارم و نمی‌توانم جدا شوم، حتی اگر از رئال مادرید هم پیشنهاد داشته باشم، صحبت درباره آن شبیه بازارگرمی است که من اهلش نیستم.

اینقدر اطمینان دارم که می‌گویم هیچ‌کدام از دروازه‌بان‌های ایرانی لیاقت بیشتری نسبت به من ندارند. من اتفاقاً کارشناس‌ها و افرادی که دروازه‌بانی را می‌فهمند، به این چالش دعوت می‌کنم